

اصول، مفقود، ادعای موجود

هشدار به آخرین ولیعهد

>مطلبی که همه درباره اش میگویند نمیتواند
یکسره بی اساس باشد ولی میتواند
کاملاً غیراصولی باشد<

بخش دهم

امیرفیض- حقوقدان

درتنگای حیرتم از نخوت رقیب یارب مباد آنکه گدا معتبر شود

جفت وبستی که با خوانندگان است

حدود سه ماه قبل، سید علی خامنه ای در یک سخنرانی اشاره ای داشت وگفت: <یک جبهه وسیع دشمن درمقابل خود داریم و در سخنرانی دیگری اشاره ای هم به فعالیت <پسرشاه مخلوع>!! و خرج زیاد اوکرد.

بنده از اهمیت خبرمزبورغافل ماندم و به ضبط مشروح آن اقدام نکردم؛ چندی نگذشت که خبرگزاری ها خبری را منتشرکردند که <خاتم آزیتا راجی دختر آقای پرویز راجی آخرین سفیرشاهنشاه ایران در انگلستان به سمت سفیرکبیر آمریکا درسوند برگزیده شده و به موافقت کنگره هم رسیده است؛ و از آنجا که بعد از سوئیس که اکنون حافظ منافع آمریکا در جمهوری است نوبت به سوئد میرسد که حافظ منافع آمریکا در جمهوری اسلامی باشد این موقعیت برای جمهوری اسلامی ایجاد خطر ساخت که ممکن است این تحول زمینه را برای فعالیت بیشتر اعلیحضرت وهمچنین کسر محدودیتی که آمریکا برای فعالیت اعلیحضرت فراهم ساخته (طرح هنری برشت) ایجاد کند.

مشروح خبر

اجازه بفرمائید مشروح خبربه اینجا آورده شود که برداشت خوانندگان متوجه امر نظری نباشد.

<رسانه های ایران در طی چند روزگذشته ازیک زن ایرانی نام برده اند که به عنوان سفیر آمریکا در سوئد انتخاب شده است. به گزارش بولتن نیوز علاوه برسوابق این خانم که فرزند چه کسی بوده و خانواده او چه عملکردی داشته نکته اساسی، دلیل انتخاب این فرد به عنوان سفیر آمریکا درسوند است.

توجه به انتخاب این فرد به عنوان سفیرکبیر آمریکا از این لحاظ حائز اهمیت است که سفارت سوئد طی سال ۲۰۱۵ قراراست بجای سفارت سوئیس حافظ منافع آمریکا در ایران باشد لذا آمریکا این شخص را

به عنوان سفیر خود در سوئد انتخاب کرده تا در ارتباط با مسائل ایران در جریان امور باشد و زمانی که سوئد حافظ منافع آمریکا میشود از مشاوره وی استفاده کند.

سفیر آمریکا در سوئد فرزند سفیر ایران در انگلیس قبل از انقلاب و در زمان شاه مخلوع بوده است لذا توجه به سوابق خانواده این خانم سفیر آمریکا در سوئد که ریشه ایرانی دارد حائز اهمیت است.^۱

(پایان خبر)

جمهوری اسلامی که بطور کلی از نام شاه وحشت دارد و حتی به جرائد کشور دستور داده که نام ظاهر شاه پادشاه فقید افغانستان را هم بدون کلمه شاه بکار برند از خبر انتخاب یک خانم ایرانی که پدرش سفیر شاهنشاه ایران بوده آنهم بعنوان مشورت نگران شد و یکبار روزنامه های داخل کشور شروع به هتاک علی شاهنشاه و راجی پدر آریتا دختر او کردند.

مصادف با همین احوال و ایام، رشته فعالیت های جدیدی کاملا با شدت و بی سابقه علیه اعلیحضرت رضا شاه دوم که جمهوری اسلامی سخت نگران بازگشت او به کشور است آغاز شد و این آغاز چیزی جز نامه هشدار نبود چراکه نامه هشدار علاوه بر متهم کردن اعلیحضرت به بی تفاوتی و بلکه ضدیت با استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی ایران همراه حکم و قضاوتی بود که مسئله اتهام بی تفاوتی به استقلال ایران را از امر نظری بودن، به حکم تصریحی که مجازات آن اعدام است تبدیل میساخت. بنابراین کسیکه بعزت دشمنی با موجودیت ایران باید اعدام شود و گروهی هم از ایرانیان و صاحبان رسانه ها آن حکم را تائید کرده اند چه مقامی از توجه و مشروعیت میتواند داشته باشد که جای نگرانی برای جمهوری اسلامی از احتمال هواداری از فرزند شاهنشاه بوجود آید.

میتوان گفت که واکنش جمهوری اسلامی نسبت به انتخاب آریتا دختر مرحوم پرویز راجی هرچه بود، در نقطه عطف همین نامه هشدار قابل ملاحظه است.

کسیکه به اعدام محکوم میشود؛ اول سلب صلاحیت و حق زندگی از او میشود و بعد حیات فیزیکی او بوسیله اعدام سلب میگردد. بنابراین حکم اعدام چه اجرا بشود و یا نشود برای صادرکنندگان آن سلب صلاحیت سلطنت و اساسا حق حیات برای اعلیحضرت است (طبق آن نامه و خواست آقای امید دانا و امضا کننده ها و همچنین تائید کنندگان نامه نه از لحاظ اصولی و یا منطق حقوقی).

فراموش نکنیم که قبل از نامه هشدار آقای امید دانا اظهار عدم صلاحیت اعلیحضرت را برای تصدی سلطنت داده بود و در عبارت <با عقلمون به هیچ وجه نمیتوانیم تائید کنیم، حمایت کنیم، تائیدشان کنیم چون ایشان کار درستی نکرده اند> منتشر ساختند.

مفهوم اعلام ایشان که کاملا بیسابقه بود متضمن این معناست که هرکه خلاف نظر ایشان معتقد به حق انتقال سلطنت به اعلیحضرت باشد، از منطق و یایگاه عقلی بی بهره است و در کلام ساده همه سلطنت طلبان و مدعیان تداوم مشروعیت سلطنت و انتقال آن به ولیعهد قانون اساسی دیوانه تشریف دارند.

^۱ - خبر در هر جا تکرار شده است عینا سال ۲۰۱۵ اشاره شده ولی تاریخ نادرست است. ح-ک

واژه به هیچوجه، حکایت از قطعیت بیان و حکم عقل را نشان میدهد و بدان معناست که در این تصمیم موی لای درز آن نمیرود و جای بحث و سخنی نیست و قطعی و لازم الاجراست.

توضیح لازم

اینکه آقای امید دانا مکرر میگوید، این بیانیه خیلی محکم است، آنقدر قوی..... و وکلا تنظیم کرده اند، تاریخی است. لازم بتوضیح است که حتا وکیل ویا نامه نویسهای کنار خیابان اول از آنچیزی که در ذهن متقاضی نامه (موکل) یعنی خواسته او هست مطلع میشوند و بعد خواسته او را در عبارات لازم پیاده میکنند چنانکه نامه هشدار هم در همین مسیر تنظیم شده یعنی عدم صلاحیت اعلیحضرت که از ترشحات عقلی امید دانا، و همفکرانش بوده؛ وکیل ویا نویسنده نامه سعی کرده آنرا در فرم اصولی! در آورد که عدم صلاحیت مورد نظر آقای امید دانا امر نظری نباشد و مستند و اصولی! باشد.

بنابراین نویسنده نامه هرکه باشد، آثار نوشته او کاملا متوجه موکل و سفارش دهنده یعنی آقای امید دانا است نه نویسنده نامه، نقش نویسنده نامه هشدار، نقش میرزا بنویس است؛ موکل است که بوکیل دستور کار میدهد که تصدیق کند یا تکذیب، استیناف بدهد یا ندهد.

یکی از دلایلی که نویسنده نامه حاضر به معرفی رسمی خود نیست همین است که او برای نوشتن نامه ای بر اساس خواست امید دانا متن را تهیه کرده و کارش تمام است، و هیچ شرطی هم نداشته که خود را معرفی کند ویا نامه را هم امضا کند. مگر نامه نویس کنار خیابان الزامی دارد که خودش را به گیرنده نامه معرفی کند؟

در اظهارات آقای امید دانا (عقلمون اجازه نمیدهد....) عبارت <کاردرستی ایشان نکرده> (مقصود اعلیحضرت است) معلوم نیست که کار درست چیست؟ این ابهام را نویسنده نامه درک کرده و آنرا با توضیح و آنطور که آقای امید دانا میخواست تا به عدم صلاحیت اعلیحضرت منجر شود پیاده کرده است.

خلع ید از سلطنت

آقای امید دانا در یکی از برنامه هایشان (علیرضا نوری زاده) و تلویزیون اندیشه را که گفته بودند سلطنت طلبان شاهزاده را خلع کرده اند مورد انتقاد قرار داده است؛ در حالیکه این خود آقای امید دانا بوده و هست که قبل از نامه هشدار اعلیحضرت را به عدم صلاحیت برای سلطنت معرفی کرد (مرگ خوبست فقط برای همسایه).

بعد از اظهارات امید دانا مبنی بر عدم صلاحیت اعلیحضرت بود که بهمن زاهدی مسئله خلع ید از ولیعهد را عنوان کرد و بعد از او هم دیگران راه تاسی را پیش گرفتند؛ آنها سخن بی مرجعی نگفته اند. **کسی که با موجودیت ایران دشمن باشد صلاحیت زنده بودن هم ندارد تاچه رسد به قبول مسئولیت.**

بشرافتی

امید دانا از بی شرافتی افق ایران و نوریزاه گله کرده و گفته بی شرافتی آنجاست که موضوع را تحریف کنند.

کاملاً درست است و از جمله بی شرافتی‌ها هم اینهاست که کسی بنام رعایت اصول، مراتبی را مطرح کند که بهیچوجه نه اصولی است و نه مدعی آن صلاحیت اصولی دارد.

بی شرافتی است که کسی حکم محکومیت شخصی رابه دشمنی با ایران بدهد و درجهت تحریف به هیچوجه به این خطا و تجاوزبه حقوق سیاسی یک انسان و اصل برانت او اعتنایی نکند و درهرموردی که جای ارائه و بحث آن هست به بی شرافتی و تقلب و تحریف و پنهانکاری متوسل شود. این بالاترین مراتب نخوت و غرور و نمودی از بی شرافتی است که کسی حکمی علیه کسی صادرکند که هیچ مسئولیت قضائی و یا الهی ندارد.

البته که بی شرافتی است که درتمام مواردی که بحث نامه هشدارمطرح است تنها به یک قسمت اول آن اشاره شود و بقیه انگار نه انگار.

>تو نمیتوانی برایم به قضاوت بنشینی و حکمی صادرکنی، قضاوت و صدورحکم برعهده نیروی ماورائی و خداوندگاراست.<

(مهاتما گاندی)

ولی مردم خودخواه و تهی از عقل و انصاف و آلوده به کبر و غرور، هم قضاوت میکنند هم حکم اعدام به اتهام دشمنی و جودی با ایران را نسبت به دیگران صادر میکنند.

خدای ایران را شاهد میگیرم روزی که امید دانا اظهارداشت میخوام بینش مردم ایران را تغییر بدهم فهمیدم که این بچه (عنوانی که امید دانا برای مخالفین نامه هشدار بکاربرده) گرفتار سفاقت و بیماری نخوت شده است ولی نمیدانستم که گرفتاری سفاقت توام با نخوت او به مرحله ای خواهد رسید که حکم اعدام متصدی سلطنت ایران را میدهد. **یکی از علانم این سفاقت توام با نخوت، همین است که در لباس دوستی حکم اعدام صادر میکنند.**

نگردد دوست هرگز هیچ دشمن

نگردد موم هرگز هیچ آهن

آخر بچه جان حد خودت را بشناس هرکسی را حدی است؛ انسان که از حد خودش خارج شد میشود مهره هرز، میشود انسان گرسنه تملق و مقام رهبری؛ و وقتی مردم نا اهل از چنین روحیه ای نزد کسی سراغ گرفتند؛ خیلی راحت بر او مسلط میشوند، با تملق و چاپلوسی بادش میکنند، و بهر کجا که خواستند میکشند؛ که طرف میشود آقای امید دانا؛ که از همه صحبت هایش باد غرور و مستی نخوت انسان را دچار تاسف میکند.

>انهمه خودخواهی و کبر و غرور، کس ندیده این چنین رفتارها<

پدر معنوی

آقای امید دانا نباید از من برنجد او مرا پدر معنوی سلطنت طلبان میدانسته. پدر خیر فرزندان را میخواهد نمیتواند ببیند فرزندش گمراه شده، دارد خودش و سلطنت طلبان و نماد سلطنت ایران را میسوزاند؛ به او میگوید پسر خجالت هم خوب چیزی است، بس کن که به نفرین ایران گرفتار میشوی >به

جهانگشای رومی گفتند که جهان چگونه گرفتی؛ گفت؛ هرملکت که گرفتم به پادشاهان جز احترام نکردم.

پسر، میگوئی تا تحقیق نکنی حرفی و برنامه ای اجرا نمیکنی؛ آیا تحقیق و تفحص لازم را کردی و رسیدی به اینکه پدرمعنوی ملت ایران نماد هویت تاریخی ما، نماد سه هزار ساله، دشمن موجودیت ایران است؟ میفهمی معنای این درشت گوئی ها چیست؟ آیا تحقیق کردی که مفهوم اجرائی و معنوی این اتهام تابه کجاست؛ بچه جان؟

تنها امید دانا نیست که گرفتاراین حرفهای نامعقول و بی پروائی دراتهام علیه اعلیحضرت شده است دیگران هم بوده اند؛ از جمله سرهنگ مدنی مدیر نشریه گام، (استرالیا) ولی هیچیک آنها از چنین برنامه وسیعی و با استفاده از رسانه ها و عوامل مستعد که دراختیار آقای امید دانا قراردارد وارد عمل نشدند ولی عجیب است که همه آنها بلا استثناء برای همیشه خاموش شدند؛ یادم آمد که شاعری گفته است:

چراغی را که ایزد برفروزد - هرآن کس پوف کند ریشش بسوزد<

بچه جان - ظرفیت داشته باش، شاخ زیربغلنت راقبول نکن؛ خودت راگم نکن، که کردی. تو از وقتی که زرتشتی شدی یکدفعه عوض شدی وخیال میکنی زرتشت شده ای. یقین کن که هیچ ایرانی تو و امثال تو منم گویان را تحویل نمیگیرد. هرکس مورد تحویل ایرانیان قرار گرفته ویا خواهد گرفت، یا از منشاء سلطنت بوده ویا از منشاء رهبری مذهب.

در ۱۰ مقاله فردوسی آمده است

ایرانیان از قدیم استقلال و بزرگی و سرافرازی و چیرگی بردشمان خویش را بسته بتخت شاهی از نسل شاهان قدیم میدانستند و بدین سبب شاه پرستی در مفهوم میهن پرستی امروز بود.

(از سنگر اول آذرماه ۷۹)

راه فیصله

وقتی شنیدم که امید دانا گفت: >این داستان تنها یک راه فیصله دارد که ایشان شخصا بیاید و پاسخگو باشد و خانم شهلا ممتاز هم اضافه کرد که باید عذرخواهی از ملت بکنند< و خانم رکسانا گنجی هم چه بلبلی زبانی ها کرد، واقعا ریش کردم که آیا ایرانی آنقدر تغییر کرده و بی عاطفه و مغرور، از حد اخلاق و سنت ایرانی گذشته است؟ ولی یادم آمد که بزرگی گفته است؛ وقتی طوفان میشود همه اشغالها یک جا روی هم تلمبار میشوند و وقتی سیل میآید همه رودخانه ها به دریاها و همه آبهای گنبدیده به گودال ها میرسند.

شما تاکی در این بازی فریب این و آن خواهی بیا ختم مقالش کن، به راه حق بنه گامی

>دردوران شاه عباس دوم یک بازرگان مقتدر ایرانی به دربار مغول بزرگ رفت و امیرمغول ضمن مطالب دیگر از او پرسید در کشور شما چه خبر، والی ایران چه میکند؟ بازرگان سربه زیر انداخت و پاسخی نداد امیرمغول سوالش را تکرار کرد و گفت از شما میپرسم عباس والی ایران رئیس کشور شما که بر شما

حکومت میکند چطور است. بازرگان پاسخ داد که نمیدانم مطلب چیست، امیرمغول با ناراحتی گفت به شما درباره کسی میگویم که او را شاه عباس مینامید. بازرگان گفت آه اعلیحضرتا اکنون متوجه شدم شاه عباس تندرست است و درکمال سلامتی بودند که ایران را ترک کردم.

(سفرنامه شاردن جلد هشتم صفحه ۱۲۷)

ایرانیها این قسم از پادشاهشان دفاع و رعایت احترام او را در همه حال و از جانب همه کس لازم میدانستند و امروز با کسانی روبرو هستیم که ملاحظه میکنید هم حکم اعدام اعلیحضرت را میدهند و حکم احضار او را میدهند؛ و هم خواستار معذرت خواهی او از ملت شده اند؛ و عجیب اینکه در چرخش در مدار نخوت خود را نماینده ملت هم میشناسند.

فرزند رضاشاه کبیر

عجیب اینکه این حرکات بسیار خصمانه و زیرکانه از کسی دیده میشود و دائم به آن حرارت میدهد که خودش را فرزند رضاشاه کبیر هم میداند و کاش آنکس خود را فرزند رضاشاه کبیر نمیدانست و دشمن رضا شاه معرفی میکرد زیرا از هیچیک از دشمنان شاهنشاه ایران این حرکات دیده نشده است.^۲

تحریر نامه هشدار

نامه هشدار سه قسمت است قسمت اعتراض به مصاحبه ها و اظهارنظرهای زیر تامل.

این قسمت همواره یک مورد مشخص از مسائل محیط بر مبارزه سیاسی ایرانیان بوده است به شهادت مندرجات، سنکر شماره ۵۰ مورخ هشتم آبان ماه سال ۵۹ بطور مشروح تکالیف و محدودیت های قانونی اعلیحضرت درست یکروز قبل از اتیان سوگند بعرضشان رسید و در اولین مصاحبه ایشان با پاری ماچ تالمات و مسائل انتقادی در سنکر شماره ۵۳ مورخ ۲۲ آبان زیر عنوان شکوه از دستها درج شد؛ انتقاداتی که متوجه بیانات اعلیحضرت در آن مصاحبه بود بشرح رفت. و از آن تاریخ حتی یک لحظه سنکر در انجام این وظیفه ملی که انتقاد و توجه دادن به اعلیحضرت بود کوتاهی و غفلت نشده است. توجهاتی که تماما باصراحت و حکم قانون اساسی همراه بود. این نهایت حد یک سلطنت طلب است؛ حال رعایت فرمودند یا خیر دیگر با امثال بنده نیست؛ و خارج از حد است، تا چه که خواستار برانث بشویم و در نهایت حکم دشمنی با موجودیت ایران را هم بدهیم.

واقعا که اتهام دشمنی با موجودیت ایران کفرم را در آورده زیر برای اولین بار در عمرم آن را شنیده

ام آنهم از کسی که خود را طرفدار پهلوی ها میداند و این اتهام بنیان کن رابه متصدی قانونی

سلطنت ایران داده است.

^۲ - امید دانا خود را فرزند رضا شاه و پیرو راه رضا شاه بزرگ میداند. ح-ک

برائت

مرحله دوم نامه هشدار برائت است، و این بدان معناست که برائت کننده (اعلیحضرت) تصدیق دارند که مرتکب گناهی شده که بتصریح نامه و تشخیص تائید کنندگان نامه جنایتی است در حد اعلا یعنی دشمنی با موجودیت ایران که جزایش اعدام است.

با کمی دقت می بینیم که تهیه کنندگان نامه مزبور خواسته اند با گشودن بحث برائت، ادعای ناموجه خود را بتصدیق برائت کننده برسانند و در کلامی دیگر افراد غیر مسنول ناشناخته ای ادعائی را علیه کسی عنوان میکنند و آن کس که اعلیحضرت هستند به آن ادعا ها صحه میگذارند یعنی اعتراف میکنند. حکم دشمنی با موجودیت ایران را قبول دارند.

برائت، قبل از صدور حکم نسبت به موارد جرم، ممکن است از اسباب تخفیف مجازات باشد ولی بعد از صدور حکم، ابراز پشیمانی و یا برائت و یا عذرخواهی هیچ تاثیری در اجرای حکم ندارد.

در مورد نامه هشدار توجه داشته باشید که قبل از برائت متهم حکم صادر شده است و خواست برائت، فقط برای گرفتن اقرار و رضایت حکم از طرف متهم یعنی اعلیحضرت است.

امید وارم خوانندگان محترم به این ریزه کاری و توطئه شگرف، کم توجه نمانند؛ عمل نامه هشدار استفاده از رویه جمهوری اسلامی است که اول اقرار به جرم و تقاضای بخشش از متهم را میگیرد و بعد متهم را مجازات میکند.

حکم نامه هشدار

قسمت سوم که نتیجه نامه است حکم به محکومیت اعلیحضرت به دشمنی با موجودیت ایران است که درباره این قسمت قبلاً توضیحات لازم داده شده است؛ و این نکته جای یاد آوری دارد که از آنجا که در قانون مجازات ایران و جمهوری اسلامی جرمی بنام دشمنی با موجودیت ایران وجود ندارد، اعلام برائت اعلیحضرت از اتهامات مورد نامه که مجازات آن دشمنی با ایران شناخته شده نوعی تائید چنین جرمی میتواند محسوب شود، خاصه اینکه آقای امید دانا مدعی است که نامه مزبور بوسیله وکلای معتبر و دیپلماتهای ایرانی دوران شاهنشاه ایران نوشته شده و نیز عده ای از ایرانیان نیز آنرا تائید کرده اند.

پنهانکاری

آقایان یا خانم هایی که در مقام دفاع از نامه هشدار برآمده اند از جمله امیر ابراهیمی، امید دانا و رزم آرا و خانم ممتاز و خانم گنجی هرگز، تکرار میکنم هرگز، به قسمت دوم و سوم نامه هشدار کوچکترین اشاره ای نکرده اند و با آنکه در تحریرات، به این مسئله اساسی اشاره شد باز هم حاضر به دست برداشتن از این پنهانکاری نشدند این عمل نوع کامل تحریف و تقلب از ناحیه آن بچه هاست.